

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۰۸/۲۰

سید حسین میثمی^۱

شکل‌گیری کنسرت در دوران قاجار

چکیده

در این مقاله به شکل‌گیری کنسرت و تحولات پس از آن در دوران قاجار می‌پردازیم. محدوده‌ی زمانی مورد مطالعه از دوران ناصری تا انقراض قاجار و روش تحقیق روش اسنادی و تحلیل داده‌هاست. ساختار مقاله بر اساس تغییرات مهم مکانی است که الویت زمانی را در هر دوره مد نظر قرار می‌دهد. آشنایی ایرانیان با کنسرت در غرب نخستین گام پیدایش کنسرت در ایران بود. انجمن اخوت نیز در برگزاری کنسرت نقش مهمی ایفا کرد. همزمانی این تحولات با جنبش مشروطه، احزاب و وقت را در برگزاری کنسرت های عمومی ترغیب می‌کرد. عارف قزوینی و درویش خان از مهم‌ترین پیشگامان برگزاری کنسرت به‌شمار می‌آیند. غزلیات و تصنیف‌های سیاسی عارف که در کنسرت‌ها ارائه می‌شد، نقش مهمی در تهییج افکار عمومی داشت. تأسیس سینما و سالن گراند هتل در خیابان لاله‌زار سبب برگزاری نخستین کنسرت‌های خصوصی شد. ابداع گونه‌ی سازی پیش درآمد از نتایج کنسرت‌ها قلمداد می‌شود. در کنسرت به تصنیف و رنگ توجه بیشتری شد. به تدریج کنسرت‌های غربی نیز برگزار شد. با گذر زمان بر تنوع کنسرت‌های ایرانی و غربی افزوده شد. می‌توان کنسرت را از مهم‌ترین پدیده‌های موسیقایی پس از مشروطه دانست.

کلیدواژه‌ها: کنسرت، انجمن اخوت، مشروطه‌خواهان، گراند هتل، پیش درآمد.

^۱ استادیار دانشکده موسیقی، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران

۱- مقدمه

در این پژوهش تلاش می‌شود زمینه‌های شکل‌گیری کنسرت به‌عنوان یک پدیده‌ی موسیقایی در جامعه‌ی ایران دوران قاجار (از دوران ناصری تا انقراض رسمی قاجار) مورد بررسی قرار گیرد. آشنایی با پدیده‌ی کنسرت، توجه نهادهای اجتماعی به کنسرت، چگونگی رواج آن، مهم‌ترین اماکن برگزاری کنسرت‌ها و چهره‌های شاخص ایرانی و غیرایرانی در برگزاری کنسرت‌ها، اسامی خوانندگان و نوازندگان، ذکر برخی از سازهای مورد استفاده در این کنسرت‌ها، اهداف برگزاری کنسرت‌ها، جنبه‌های مالی کنسرت‌ها، توجه به جنبه‌های عامه‌پسند، غزل‌ها و محتوای اشعار مرتبط با تحولات سیاسی، تصنیف‌ها، پیش درآمدها و رنگ‌های ساخته شده در این ارتباط، تنوع تدریجی در برگزاری گونه‌های مختلف موسیقایی دوران، دخالت دولتمردان در برگزاری کنسرت و مباحث امنیتی و ... از موضوع‌های مطرح در این پژوهش به‌شمار می‌آید.

یکی از مشکلات این پژوهش تقسیم‌بندی درونی مباحث بود، زیرا همه‌ی موارد مطرح درباره‌ی کنسرت می‌توانند حائز اهمیت باشند. درنهایت، تقسیم‌بندی مکانی با الویت زمانی معیار ساختاری مقاله قرار گرفت.

۲- آشنایی ایرانیان با کنسرت در اروپا و ایران

منافع اقتصادی شرکت‌های ضبط و پخش موسیقی کشورهای غربی را می‌توان یکی از موارد تأثیرگذار در شکل‌گیری کنسرت دانست. در ذی‌الحجه‌ی سال ۱۳۲۳ ق/ ۱۰۹۶ م فرمان مظفرالدین شاه برای ترویج و فروش گرامافون صادر شد (سپنتا، ۱۳۶۶: ۱۱۴). در همین سال شرکت گرامافون و ماشین تحریر شعبه‌ای در ایران دایر کرد (همان: ۱۱۶). در سال ۱۳۲۴ ق/ ۱۲۸۵ ش/ ۱۹۰۷ م شرکت پاته اولین سفر استادان موسیقی ایران به پاریس را تدارک دید (خالقی، ۱۳۶۲: ۱۳۳). هامبارسوم^۱ از تاجران غربی مسئول این کار شد و ریاست گروه را به آقاحسین‌قلی، استاد برجسته‌ی تار و آگذار کرد (ملاح، ۱۳۶۹: ۳۵-۳۶). میرزا اسدالله خان اتابکی نوازنده‌ی تار و سنتور، سید احمد خان سارنگ خواننده، باقرخان رامشگر کمانچه‌کش، باقر ضرب‌گیر نیز وی را همراهی می‌کردند (خالقی، ۱۳۶۲: ۱۳۳؛ ملاح، ۱۳۶۹: ۳۶؛ مشحون، ۱۳۵۰: ۶۶). در این سفر چند تن از موسیقی‌دانان پاریس خواستار اجرای کنسرتی از گروه شدند و در پاسخ به این درخواست، گروه برنامه‌ای را در دستگاه ماهور (چند آهنگ ضربی بدون حضور آواز) اجرا کرد (خالقی، ۱۳۶۲: ۱۳۴). گروه مذکور در مسیر بازگشت، در استانبول نیز به دعوت وزیر مختار وقت ایران ارفع‌الدوله [میرزا رضا خان] کنسرتی در سفارت اجرا کردند (همان). در سال ۱۹۰۹ م/ ۱۳۲۶ ق/ ۱۲۸۷ ش بنگاه هامبارتروم، هایراپتیان و شرکاء^۲ شرکت گرامافون را ترغیب کرد که صفحه‌های بیشتری از موسیقی ایرانی ضبط کند (کنی‌یر، ۱۳۸۶: ۵۶). برای تحقق این هدف شرکت مذکور درویش خان را به همراه گروه وی، طاهرزاده، قلی خان، آقا حسین به‌عنوان خواننده و اکبر خان نی نواز، باقر خان کمانچه‌کش، حبیب‌الله خان (مشیر همایون) نوازنده‌ی پیانو، برای اجرای کنسرت و ضبط موسیقی به لندن دعوت کرد (همان)؛ اوج کنسرت‌های این گروه در نمایشگاه وایت سیتی^۳ لندن بود (کنی‌یر، ۱۳۸۴: ۵۶). خالقی همراهم درویش خان در سفر نخست در سال ۱۲۸۹ ش را چنین نام می‌برد: حبیب‌الله شهردار [پیانو]، سید حسین طاهرزاده [آواز]، رضا قلی خان [ظلی، تصنیف و آواز]، حسین هنگ آفرین [ویلن]، باقر خان رامشگر [کمانچه]، اسدالله خان [تار و سنتور]

و اکبر خان [فلوت] (همچنین خالقی، ۱۳۶۲: ۳۱۷ و ۲۴۷). اگرچه بهمن کاظمی (۱۳۸۹: ۱۰۹) رضا قلی خان را رضا قلی خان نوروزی ذکر کرده است و همچنین از اجرای سازهای ارگ و پیانو توسط مشیرهمایون و فلوت و قره نی توسط اکبرخان سخن گفته است (همان: ۱۱۸، ۱۲۵ و ۱۲۳). یکی از مهم‌ترین تأثیرات کنسرت پیدایش گونه‌ی سازی پیش درآمد است. نخستین احتمال پیدایش این گونه به سفر آقا حسین‌قلی مربوط می‌شود که به نقل از پدر ابوالحسن صبا، درویش خان درباره‌ی کم بودن میزان دستمزد به آقا حسین‌قلی هشدار می‌دهد و هامبارسوم این موضوع را به حسادت درویش خان مربوط دانسته، در نهایت موفق شده است با ۴۲ متر ماهوت انگلیسی آقا حسین‌قلی را راضی کند (خالقی، ۱۳۶۲: ۳۱۱-۳۱۲؛ ملاح ۱۳۶۹: ۳۶). درویش خان برای مقابله با این جریان و برای آن که بتواند مانع از استقبال مردم از صفحه‌ها شود، ساخت پیش درآمد را آغاز کرد و به این ترتیب صفحه‌های آقا حسین‌قلی که فقط شامل آواز و تصنیف بود، نتوانست فروش لازم را داشته باشد (نک. خالقی، ۱۳۶۲: ۳۱۲). خالقی درباره‌ی صحت این موضوع تردید دارد زیرا بر این باور است که در صفحه‌های درویش خان که در اروپا ضبط شده‌اند نیز پیش درآمدی مشاهده نمی‌شود، اگرچه اشاره می‌کند که شاید این امر به سبب ارسال نشدن تمام صفحه‌ها بوده است (همان). با این همه در یکی از صفحه‌ها ۱۲۸۷ ش/۱۹۰۹ م [۱۳۲۶ ق] که با آواز طاهرزاده در لندن، به‌شماره‌ی ۷-۱۲۱۸۱، ضبط شده، پیش درآمد ماهر ذکر شده است (کنی یر، ۱۳۸۶: ۱۸۲). همچنین نام پیش درآمد در صفحه‌ای به شماره‌ی ۹۸۲۷۱ در سال ۱۲۹۳ ش/ [۱۳۳۲ ق] مشاهده می‌شود؛ در این صفحه درویش خان با تار خویش آواز ابوالحسن خان [اقبال السلطان] را در دستگاه ماهر همراهی کرده است (کاظمی ۱۳۸۹: ۱۴۸). صفحه‌ی مذکور در سفر تفلیس پر شده است. در آوانویسی هدایت (۱۲۹۹-۱۲۹۴)، بر اساس روایت منتظم‌الحکما (پور عیسی، ۱۳۹۰: ۹)، از پیش درآمد ماهر به عنوان یکی از رنگ‌های درویش خان یاد شده است (همان ۷۷). این پیش درآمد (آوانویسی‌شده از سوی هدایت)، در واقع، رنگ یا ضربی‌هایی هستند که پیش از درآمد نواخته می‌شدند و به لحاظ ژانری با پیش درآمدهای اصطلاحاً درویشی-رکنی که پیش درآمدهای کنونی را شکل بخشیدند، متفاوت‌اند.

۲-۱- کنسرت در باغ‌های خصوصی (انجمن اخوت)

یکی از نخستین بانیان کنسرت در ایران علی خان قاجار ملقب به ظهیرالدوله (۱۳۰۳-۱۲۴۳ ش) بود (خالقی، ۱۳۶۲: ۸۳). وی انجمن اخوت را در سال ۱۳۱۷ ق تأسیس کرد (مجدالاسلام کرمانی بی تا: نک. یادداشت‌های ص ۱۷۳). ظهیرالدوله از طرفداران سرسخت مشروطیت بود (نک. یادداشت‌های والی‌زاده معجزی، ۱۳۸۰: ۲۴۹). عین‌السلطنه (۱۳۷۴: ج ۲، ۱۲۶۹) چنین نقل می‌کند: «ظهیرالدوله خوب پیانو می‌زند، ویولون هم بلد است. اشعار خودش را هم بسیار خوب می‌خواند. آهنگ و اوزان بسیار خوب دارد. خودش پیانو می‌زد، دو نفر از نوکرهایش ویولون. خیلی با مزه بود...». وی در منزل خویش و باغ‌های شمال تهران (بهجت آباد و عشرت آباد) جشن‌هایی (گاردن پارتی) برگزار میکرد که در این جشن‌ها کنسرت نیز برگزار می‌شد و ریاست ارکسترهای انجمن اخوت را درویش خان برعهده داشت (خالقی، ۱۳۶۲: ۸۷). با این وجود، گاهی حسین هنگ‌آفرین سرپرست ارکستر بود (همان: ۲۲۷). خالقی ذکر می‌کند که کنسرت‌های انجمن اخوت جنبه‌ی خصوصی داشت (همان، ۴۱۳). خالقی (همان ۸۷) از ۲۴ نفری که با ارکستر مذکور همکاری می‌کردند نام برده است:

ردیف	استادان	مهارت در ساز/ آواز	ردیف	استادان	مهارت در ساز/ آواز
۱	مهدی منتظم‌الحکماء	سه‌تار	۱۳	حسین اسماعیل‌زاده	کمانچه
۲	حسین هنگ‌آفرین	سه‌تار	۱۴	تقی دانشور	ویلن
۳	مشیرهمایون	پیانو	۱۵	رکن‌الدین خان	ویلن
۴	غلامرضا سالار معزز	پیانو	۱۶	حسام‌السلطنه	ویلن
۵	یوسف فروتن	پیانو	۱۷	حشمت دفتر	ویلن
۶	ارفع‌الملک	تار	۱۸	حاجی خان	ضرب
۷	یوسف خان صفایی	تار	۱۹	رضا قلی‌خان	ضرب و آواز
۸	یحیی خان قوام‌الدوله‌ای	تار	۲۰	نایب اسدالله	نی
۹	علینقی وزیری	تار	۲۱	شاهیدی	نی
۱۰	اسماعیل قهرمانی	تار	۲۲	ناصر سیف	آواز
۱۱	شکرالله (شکری)	تار	۲۳	میرزا حسین ساعت‌ساز	آواز
۱۲	حاج غلامرضا	تار	۲۴	حسین طاهرزاده	آواز

از چهره‌های شاخص این کنسرت‌ها حسین خان اسماعیل‌زاده، حاجی خان ضرب‌گیر و شیدا بودند. حسین اسماعیل‌زاده سولیست آتیه‌ی کنسرت‌های درویش و عارف شد (همان: ۶۸). درویش خان، حاجی خان تمبک‌نواز را متروم ارکستر خطاب می‌کرد (همان: ۴۰۸). شیدا در سلک اخوان بود و تصنیف‌های وی در این کنسرت‌ها اجرا می‌شد (همان: ۸۸-۸۷). طاهرزاده نیز در تمام کنسرت‌های انجمن اخوت شرکت داشت (خالقی، ۱۳۶۲: ۳۷۸). در مورد برگزاری یکی از کنسرت‌های انجمن اخوت چنین ذکر شده است:

ظهیرالدوله دستور داد بلیطهایی به قیمت سه تومان چاپ کردند که اخوان با رغبتی تمام خریدند و وسائل برگزاری جشن فراهم شد. در حدود پانصد تن در این جشن شرکت می‌کردند و اگر هم کسانی بودند که توانایی پرداخت وجه نداشتند مجاناً حضور می‌یافتند. (همان: ۸۶-۸۵)

پیش در آمد و رنگ‌های درویش خان و تصنیف‌های شیدا توسط ارکستر نواخته می‌شد (همان: ۸۷). تصنیف مولودی نپی ساخته شیدا در جشن‌های سالانه‌ی انجمن اخوت اجرا می‌شد (همان، ۸۸-۸۹). انجمن اخوت سرودی بدون شعر در مایه‌ی دشتی با وزن دوضربی داشت که در آغاز کنسرت‌ها نواخته می‌شد (همان: ۹۰). در پایان کنسرت‌ها مدالی که برای اهدا به نوازندگان ساخته شده بود، به آن‌ها هدیه می‌شد (همان).

پس از شکست محمدعلی‌شاه و فتح تهران در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ق آزادی نسبی در ایران برقرار شد. با وجود آن که درآمد بسیاری از کنسرت‌های انجمن اخوت صرف امور خیریه می‌شد، محتوای بخش عمده‌ای از کنسرت‌های متفرقه به مسائل سیاسی مربوط بود. خالقی پس از اشاره به کنسرت‌های سالیانه‌ی سیزدهم رجب که مقارن با تولد حضرت علی (ع) است به کنسرت‌های متفرقه نیز اشاره می‌کند:

گاهی هم به غیر از روز جشن مولای متقیان کمک به امور خیر کنسرت‌هایی ترتیب می‌دادند؛ مانند کنسرتی که به منفعت حریق‌زدگان آمل (در مجلس شورای ملی) داده

شد و کنسرت دیگری که برای ترمیم خرابی‌های حریق بازار در سال ۱۲۸۱ در خانه‌ی
ظهیرالدوله تشکیل گردید. (خالقی، ۱۳۶۲: ۸۷)

عارف (۱۳۰۳: ۱۶۶) درباره‌ی نخستین کنسرت خویش در منزل ظهیرالدوله چنین می‌نگارد:

این غزل را بیست روز بعد از دار زده شدن شیخ فضل‌الله در طهران (۱۳۲۷) در نمایشی
که در خانه‌ی ظهیرالدوله به منفعت حریق‌زدگان بازار داده شد خواندم... دلی که در
خم آن زلف تابدار افتاد/چو صعوه‌ای است که اندر دهان مار افتاد...

محتوای شعر به اختلاف شیخ فضل‌الله نوری، از سردمداران مشروعیت‌خواهی، با
مشروطه‌خواهان اشاره می‌کند که سرانجام توسط مشروطه‌خواهان به قتل رسید. عکسی نیز از
این کنسرت موجود است (نورمحمدی، ۱۳۸۶: ۲۶۶). عین‌السلطنه (۱۳۷۴: ج ۴، ۲۷۵۹) در این مورد
چنین می‌نویسد: «دیروز و دیشب جشن نصرت ملی در خرابه انجمن اخوت (خانه ظهیرالدوله)
برقرار بود...». عکس دیگری از عارف در گاردن پارتی وجود دارد که نشان می‌دهد وی در این
مجالس شرکت می‌کرده است (نورمحمدی، ۱۳۸۶: ۲۶۷).

۲-۲- کنسرت در پارک‌های دولتی و عمومی

علاوه بر کنسرت‌های خصوصی در باغ‌های بهجت آباد و عشرت آباد، کنسرت‌هایی نیز در باغ‌های
دولتی و عمومی برگزار می‌شد. پس از پیروزی مشروطه ظاهراً هر ساله جشن‌هایی به این مناسبت
در باغ‌های عمومی برگزار می‌شد.

در حوادث مشروطه، جریان‌های فکری و احزاب برای جذب مخاطب بیشتر در میتینگ‌های خویش
کنسرت برگزار می‌کردند. با توجه به اوج تحولات مشروطه و شکست محمدعلی‌شاه و فعالیت احزابی
چون حزب دموکرات، کنسرت می‌توانست به‌مثابه‌ی عاملی مهم در جلب توجه مردم در گردهم‌آیی‌ها
ایفای نقش کند. سالن سینما پاسخگوی حضور چشمگیر مردم نبود؛ بنابراین پارک‌ها محل مناسبی
برای برگزاری کنسرت قلمداد می‌شدند. محمدعلی‌شاه مخلوع که برای باز پس‌گیری قدرت با حمایت
روس‌ها وارد گموش‌تپه شده بود، سرانجام از مشروطه‌خواهان شکست خورد و حزب دموکرات
تصمیم گرفت به مناسبت پیروزی مشروطه‌خواهان، در پارک امین‌الدوله جشنی برگزار کند. پارک
امین‌الدوله، حدود ۱۳۲۹ ق/ ۱۲۹۰ ش، در سوی دیگر دروازه شمیران قرار داشت. در زمان به توپ
بسته شدن مجلس گروهی از سران مشروطه‌طلب به آن‌جا گریختند و دستگیر شدند. قرار بر آن شد
که در این جشن کنسرتی برگزار شود و از عارف درخواست شد که در آن کنسرت به اجرای برنامه
بپردازد. عارف (۱۳۸۱: ۲۰۶) می‌نویسد: «یک چنین گاردن پارتی به این عظمت و ابهت در ایران داده
نشده است...». عارف (همان) در ادامه درباره‌ی انتخاب محل می‌نویسد:

در تمام طهران، گذشته از اینکه تا آن وقت بنایی به نام تأثر ساخته نشده بود و
جایی هم که بشود یک چنین جمعیتی را در [آن] گنجانده و پذیرایی کرد نبود. چندین
چادرپوش به هم وصل کرده اطراف آن را زنجیر کشیده، صحنه‌ی نمایشگاه بسیار
عالی ترتیب داده، سن بسیار قشنگی هم از چوب برای آن ساخته و پرداخته کردند...

نوازندگان تمایل نداشتند که تماشاچیان آن‌ها را بشناسند، بنابراین پرده‌ای توری نصب شد
که ظاهراً به نقل از عارف تأثیر چندانی نداشت و مخاطبان می‌توانستند نوازندگان را مشاهده کنند
(همان ۲۰۷-۲۰۶). درباره‌ی مبلغ فروش نیز می‌نویسد:

در یک روز که روز جمعه بود از سه ساعت به غروب مانده تا غروب، فروش بلیط در باغی که قیمت آن پنج شاهی تنها برای دخول و خروج چاپ شده بود هفت صد تومان از مردمانی که استطاعت خرید بلیط نمایش نداشتند گرفته شد که حالا از دادن دو شب نمایش و تأثر، وصول آن پول غیر ممکن است... بعد فهمیدم همان پولی را که خیال می‌کردم که اگر دو قران آن را من بگیرم خیانت کرده و باید به مصرف خیر عمومی برسد، بیشتر آن را وطن پرستان شکم پرست، لوطی خور کردند... (همان)

به نظر می‌رسد که اختلاف‌هایی میان عارف و پیشکسوتان به‌ویژه درویش خان روی داده است. خالقی این موضوع را به‌طور تلویحی به اخلاق عارف ربط می‌دهد (۱۳۶۲: ۴۲۸). به نظر می‌رسد گرایش‌های سیاسی عارف در این جریان بی ارتباط نبوده است زیرا اغلب پیشکسوتان ترجیح می‌دادند در فضای انجمن اخوت فعالیت کنند و کار چندان با مسائل سیاسی نداشته باشند. عارف (همان: ۲۰۷) درباره‌ی استادان پیشکسوت و درگیری با آن‌ها اطلاعات مهمی به ما می‌دهد:

این اولین دفعه بود که من یک عده از موزیسین‌های جوان نارس تازه چرخ را از قبیل رکن‌الدین خان، علینقی خان، شکراله خان، بر ضد اساتید موسیقی روی کار آورده، واداشتم در یک نمایشگاه تاریخی، به جای آن‌ها عرض اندام کنند. مرحوم درویش خان هیچ تصور نمی‌کرد یک چنین نمایش به این عظمت را بشود با این آقایان و یک عده‌ی دیگر که در درجه‌ی دوم آن‌ها بودند به این خوشی و خوبی برگزار کرد. حتی با رفقای خود نذر بسته بود که عارف از کرده‌ی خود پشیمان خواهد شد، با این اشخاص امکان ندارد بتواند کار به این مهمی را صورت دهد. من خرابی این کنسرت را پیش‌بینی کرده و در سر خرابی آن هم نذر می‌بندم. به همین امید بلیط خریده با جمعی از دوستان خود داخل صحنه‌ی نمایش شد، ولی در پرده‌ی اول دید که هم نذر خود را باخته و هم مجبور است از این‌که تعریف کند...

از فحوای کلام آرین‌پور چنین برمی‌آید که رکن‌الدین خان در این کنسرت برای تصنیف از خون جوانان وطن جمله‌هایی (جواب/ جوابیه) ساخته بوده که عارف را متأثر کرد (۲۵۳۵: ۱۶۱). این موضوع نشان می‌دهد که مجریان کنسرت‌ها فکر می‌کردند افزودن بخش‌های سازی به تصنیف‌ها می‌تواند گام مهمی در تحول تصنیف قلمداد شود.

عارف در بخش تصنیف‌های کتابش به ساخته شدن دو تصنیف خویش، دل هوس سبزه و صحرا ندارد در سال ۱۳۲۸ ق و تصنیف نه قدرت که با وی نشینم در سال ۱۳۲۹ ق، در ارتباط با شکست محمدعلی‌شاه و بازگشت مجدد وی به روسیه، اشاره کرده است (۱۳۰۳: ۱۷-۱۵)؛ این احتمال وجود دارد که به سبب نبود سالن مناسب این کنسرت نیز در پارک‌های عمومی برگزار شده باشد.

کنسرت دیگر عارف در پارک ظل‌السلطان، در سال ۱۳۳۳ ق، به اسم شرکت خیریه برای تأسیس مدرسه احمدیه بود (عارف، ۱۳۰۳: ۱۸۷؛ راوندی، ۱۳۸۲: بخش ۲ ج ۸، ۳۵۸). در این کنسرت عارف در طعنه به محمد ولی‌خان تنکابنی مشهور به سپهدار چنین خواند: «بگو به عقل منه پا بر آستانه‌ی عشق/ که عشق در صف دیوانگان سپهدار است» (نورمحمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۹). کتک خوردن عارف از نوکران سپهدار و دلجویی سپهدار از عارف و دادن دو خانه به او برای استفاده‌ی شخصی از حواشی این کنسرت بود. به نظر حسن اعظام قدسی عارف پس از این واقعه مشهور شد (همان). عارف می‌نویسد: «... هر گاه بخواهم شرح آن اتفاق ناگوار را که به

تحریک محمد ولی‌خان سپهدار به وقوع پیوست بدهم چند جزوه خواهد شد» (عارف، ۱۳۰۳: ۱۸۷).
عین‌السلطنه (۱۳۷۴: ج ۵، ۱۲۲) در این رابطه اطلاعات بیشتری دارد:

در طهران عارف قزوینی اشعاری گفته که به طبع سپهدار گران آمده چند نفر از نوکرهای خودش را می‌گوید عصر در خیابان عارف را با عصاهای آهنی به قدر واقع کتک می‌زنند. عارف هم چون به واسطه آواز و اشعار و تصنیف‌های تازه تازه که می‌گوید در میان جوانان و خانم‌ها صاحب احترامی است. خیلی ناز و غمزه برای این کتک خوردن به خرج داده، تمام خانم‌های طهران عیادت کردند. آدم‌های سپهدار را گرفتند، خود سپهدار فحاشی کرد. در عدلیه محکوم حبس شدند. محرمانه سپهدار پول داد و حبس آن‌ها را خرید آزاد شدند. حالا عارف چندین مقابل سابق شهرت کرده اما در بستر افتاده و غمزه می‌آید ...

وی همچنین ذکر می‌کند که از مال سپهدار به عارف دادند (همان، ج ۸: ۵۹۶۵). در این کنسرت محمود مفخم، ابراهیم آژنگ [آژنگ] و شهباز برمکی (ویلن نواز) از نوازندگان عارف بودند (خالقی ۱۳۶۲: ۲۶۵). مفخم ابتدا تار می‌نواخت و سپس به نوازندگی پیانو روی آورد (همان، ۲۴۵-۲۴۳). مشخص نیست که وی در کنسرت مذکور چه سازی می‌زده است. ابراهیم آژنگ ویلن می‌نواخت و تار را نزد آقا حسین‌قلی فرا گرفت (همان: ۲۳۰). احتمالاً در کنسرت مذکور وی ویلن می‌نواخته است.

۲-۳- کنسرت‌ها در تهران

با آغاز شهرسازی مدرن از دوران ناصری، در تهران خیابان‌ها و پارک‌هایی به سبک کشورهای اروپایی ساخته شد. پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر اول فرنگستان، وی تصمیم گرفت در دارالخلافه خیابانی به سبک شانزله‌لیزه تأسیس کند. زمین‌های اطراف این خیابان بین مقربان تقسیم شد. به تدریج در این خیابان فعالیت‌های اقتصادی گوناگونی در عرصه‌ی تأسیس تجارتخانه، رستوران، سینما، هتل، کافه، چاپخانه، آتلیه‌ی عکاسی، شرکت صفحه پرکنی و ... آغاز شد. روشنفکران جنبش مشروطه، این خیابان را مرکز مهمی برای فعالیت‌های سیاسی خود می‌دانستند. دست‌اندرکاران هنرهای نمایشی مانند تئاتر، سینما و موسیقی، نخستین فعالیت‌های آزاد اجتماعی خود را در این خیابان آغاز کردند. خیابان لاله‌زار به دلیل داشتن امکانات متعدد پایگاه مهمی برای کنسرت‌های نخستین محسوب می‌شد. در برگزاری این کنسرت‌ها شخصیت‌های سرشناسی چون عارف قزوینی، درویش خان و ... نقشی مهم بر عهده داشتند.

به نظر می‌رسد به سبب آن که در ابتدا سالن مخصوصی برای اجرای کنسرت وجود نداشت، نخستین اجرای موسیقی در کافه‌ها بوده است. خالقی (۱۳۶۲: ۲۵۰) می‌نویسد: «پدر مرتضی [محبوبی] اولین کافه را در خیابان لاله‌زار دائر نمود و پسرانش رضا و مرتضی در آنجا ارکستری داشتند. رضا ویلن می‌زد و مرتضی پیانو ...». شاید ویژگی مشترک نمایشی بودن سینما و موسیقی توجه بنیان‌گذاران نخستین کنسرت‌ها را به خود جلب کرده باشد. ظاهراً نخستین کنسرت در خیابان لاله‌زار و در سینما فاروس برگزار شده است. سینما فاروس یکی از مهم‌ترین سینماهای لاله‌زار بود که توسط روسی خان در بالای چاپخانه‌ی (مطبعه‌ی) فاروس دایر شده بود (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۴۶۹ و همان، ج ۴: ۲۸۰۴). در طبقه‌ی همکف این سینما مطبعه‌ی فاروس نیز دایر بود و بخشی از اعلامیه‌های سیاسی و ... از طریق این چاپخانه چاپ می‌شد. کنسرت را مفخم، حسین اسماعیل‌زاده، و حاجی خان ضربگیر در سالن سینمای فاروس برگزار کردند و

عارف نیز در آن می‌خواند (خالقی، ۱۳۶۲: ۲۵۰). گفته شده است که مرتضی محجوبی با سنی حدود ده سال در این کنسرت پیانو نواخت و عارف با آواز خویش وی را همراهی کرد (همان). این کنسرت در سال ۱۲۸۸ ش [۱۳۲۸ق] برگزار شد (نورمحمدی، ۱۳۸۶: ۱۵۵). در این کنسرت مفخم‌الممالک (محمود مفخم برادرزاده‌ی انیس‌الدوله و شوهر خواهر مشیرهمايون)، نوازنده‌ی پیانو، آواز عارف را همراهی می‌کرد (همان: ۱۵۸).

نخستین هتل ایران در خیابان لاله‌زار ساخته شد. این هتل توسط باقراف مهاجر قفقازی بعد از مشروطیت و به سبک هتل‌های اروپایی تأسیس شد. در سالن این هتل که تتاثر باقراف نام داشت، نمایش و کنسرت‌های بسیاری برگزار شد. خالقی (۱۳۶۲: ۴۱۳) در این مورد چنین توضیح می‌دهد:

این سالن تنها محلی بود که در تهران به همت باقراف ساخته شده بود و گاهگاهی در آن نمایشی می‌دادند. کنسرت‌های عارف در این محل برگزار می‌شد... این کنسرت‌ها مخصوص طبقه‌ی خاصی نبود و ورود به کنسرت با خرید بلیط برای عموم آزاد بود.

عین السلطنه نیز به اداره کردن این سالن توسط باقراف اشاره کرده است (۱۳۷۴، ج ۸: ۶۶۰۴). اغلب کنسرت‌ها با اجرای نمایش همراه بود. به همین دلیل در این سال‌ها برنامه‌ها پرده خطاب می‌شدند. این واژه از اصطلاحات رایج تتاثر بود که اهل موسیقی نیز از آن استفاده می‌کردند. نخستین کنسرت عارف در گراند هتل به مناسبت اشغال ایران در جنگ جهانی اول به دست روس‌ها و انگلیس‌ها بود که در آواز ابوعطاء غزل لباس مرگ بر اندام عالمی زیباست/چه شد که کوه زشت این قبا به قامت ماست را خواند (عارف، ۱۳۰۳: ۱۷۸-۱۷۷ و ۱۸۲). در متن اعلان‌هایی که در ۲۳، ۲۴ و ۲۶ ذی‌الحجه در هفته‌نامه‌ی نوبهار و روزنامه‌ی رعد وجود دارد، روز برگزاری این کنسرت ۲۸ ذی‌الحجه ۱۳۳۳ ق بوده است (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۴۹-۱۴۷). در برنامه‌ی مذکور نیز یک نمایش تاریخی اجرا شد (همان: ۱۴۸). قیمت بلیط‌های درجه‌ی ۳، ۴، و ۵، سه، هشت و پانزده قران ذکر شده (همان: ۱۴۹)؛ اما درباره‌ی قیمت بلیط شب بیست و چهارم نوشته شده است که «... ردیف مقدم ده تومان، لژ بالا شش تومان بقیه از پنج تومان الی ۵ قرآن است» (همان). اعضای کنسرت همه از آرتیست‌ها و موسیقی‌دانان ماهر و جوان بودند و تنها از شکرالله خان نام برده شده است (همان: ۱۵۲). عارف بعد از این کنسرت از ایران مهاجرت کرد و تا سال ۱۳۳۷ ق در استانبول بود.

در سال‌هایی که عارف در ایران نبود، درویش خان در سال ۱۳۳۵ ق کنسرتی در گراند هتل برگزار کرد (همان: ۱۶۸-۱۶۷). این کنسرت همراه با هیأت نمایش کمدی بود (همان). در گزارش این کنسرت به غزل‌خوانی طاهرزاده در آواز شوشتری و سارآهنگ اشاره شده است (همان: ۲۱۴). قیمت بلیط‌های این کنسرت چنین ذکر شده است: لژ چهار نفری ۱۰ تومان، لژ بالا ۶ تومان، درجه‌ی اول ۲۰ قران، درجه‌ی دوم ۱۵ قران، درجه سوم ۱۲ قران، درجه‌ی چهارم ۸ قران، درجه پنجم ۴ قران (همان: ۱۶۸-۱۶۷).

در اعلانی در ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۶ ق آمده است که کنسرتی توسط رکن‌الدین خان مختاری به نفع ایتم برگزار خواهد شد (همان: ۱۷۷). پی‌اس نمایش برنامه‌ی مذکور توسط مشیرهمايون تألیف شده بود و اشعار ملک‌الشعرا بود (همان). درویش خان نیز در سال ۱۳۳۷ ق به اتفاق رکن‌الدین خان مختاری کنسرت دیگری برگزار کرد (همان: ۱۶۹-۱۶۸). این کنسرت در چهار پرده برگزار شد که پرده‌ی نخست تحت نظارت رکن‌الدین خان و پرده‌ی چهارم به سرپرستی درویش خان بود و آواز و تصنیف‌های آن توسط طاهرزاده و عبدالله خان خوانده شد (همان). پرده‌های

دوم و سوم مربوط به تأثر کمدی اخلاقی بود (همان). عواید این کنسرت و نمایش به مدرسه‌ی ایتم اختصاص یافته بود (همان). سرود ایران هنگام کار است از ساخته‌های درویش خان یکی از نخستین سرودهای ایرانی در آواز اصفهان بود که در کنسرت مذکور اجرا شد (همان: ۱۸۱). خالقی (۱۳۶۲: ۳۷۸) درباره‌ی طاهرزاده چنین می‌نویسد: «همچنین در کنسرت‌هایی که به نفع امور خیریه برپا می‌شد و در کنسرتی که به منفعت درویش خان داده شد حضور یافت و با آواز دلنشین خود موجب لطف و رونق کنسرت‌ها را فراهم کرد...». با وجود این‌که خالقی ابداع پیش درآمد را به درویش خان نسب می‌دهد (۱۳۶۲: ۳۱۰)، در جایی دیگر این موضوع را به رکن‌الدین خان نیز نسبت داده است.

می‌گویند در موقعی که بنا شد کنسرتی داده شود، در هنگام تمرین رکن‌الدین خان پیشنهاد کرد خوب است اول، قطعه‌ای را با هم بنوازیم و بعد از آن به آواز بپردازیم. سؤال شد کدام قطعه را؟ پیشنهاددهنده گفت من آهنگی به این سبک دارم. حضار میل به شنیدن آن پیدا کردند و سازنده‌ی آهنگ، آن قطعه را نواخت و مورد پسند واقع شد. بنا به پیشنهاد مشیرهمایون، به مناسبت این که پیش از درآمد آواز زده می‌شود به پیش درآمد موسوم شد... (همان: ۳۱۱).

بنابراین شاید ابداع پیش درآمدهای جدید به سال ۱۳۳۶ ق بازگردد؛ اگرچه احتمالاً زمینه‌های اولیه‌ی آن به سال ۱۳۲۶ ق بازمی‌گردد.

سال ۱۳۳۷ ق مقارن با بازگشت عارف به ایران است. پس از بازگشت، در تاریخ ۲۴ ذی‌الحجه‌ی ۱۳۳۷ ق، در گراند هتل کنسرت دیگری برگزار کرد: «عارف بعد از پنج سال مسافرت ترانه‌های بدیعی برای دوستان هدیه آورده‌اند...» (همان: ۱۴۹). این دومین کنسرت عارف در گراند هتل بوده است (همان: ۱۵۰). در این کنسرت وی غزل میان ابرو چشم تو گیروداری بود را خواند (عارف، ۱۳۰۳: ۱۹۷). عارف (همان) می‌نویسد: «از عایدات این نمایش هشتصد تومان رسید که از آن یک فقره قرض استانبول خود را دادم و مابقی را دیگران خوردند...» (همان). این کنسرت در دو پرده تنظیم شد و در میان دو کنسرت یک پرده‌ی کمدی نیز اجرا شد (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۵۰). کنسرت دیگر عارف اواخر شهریور ۱۲۹۸ ش مقارن با ۱۳۳۸ ق در تهران برگزار شد که در آن عارف در آواز ابوعطاء شعر هروقت ز آشیانه‌ی خود یاد می‌کنم/ نفرین به خانواده‌ی صیاد می‌کنم را خواند (عارف، ۱۳۰۳: ۱۸۴).

ظاهراً نخستین کنسرت تکنوازی پیانو در سینما پالاس گراند هتل در ۲۶ محرم ۱۳۳۸ ق توسط لوپیشنوف^۴ برگزار شده است (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۳۵) که در می‌توان آن را رویداد مهمی قلمداد کرد. ظاهراً این کنسرت با استقبال خوبی همراه بوده است، زیرا درباره‌ی کنسرت دیگر این پیانیست در ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۸ ق چنین نقل شده است: «بنا به خواهش و اصرار و ابرام جمعی کثیر یگانه پیانوزن مشهور لوپیشنوف پیش از مسافرتش برای نمایش به استرالیا و ژاپن و آمریکا به جهت بدرود و خداحافظی نمودن کنسرت بسیار خوبی در تهران خواهد داد...» (همان: ۱۳۶-۱۳۵). همچنین در ۲۷ ربیع‌الاول نخستین نمایش بین‌المللی در سالن گراند هتل برگزار شد. نمایشی از طرف باشگاه هنرمندان^۵ و موسیقی که در آن ۲۵ نفر از آرتیست‌های معروف و آرتیست‌های اپرا شرکت داشتند (همان: ۱۳۶). در برنامه‌ی این کنسرت به اجرای ویولن، سلو و آوازهای دو نفری و و سه نفری و آوازهای چند نفری به زبان‌های فارسی، انگلیسی، روسی، ایتالیایی و ارمنی اشاره شده است (همان). در ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۸ ق کنسرت دیگری در سالن گراند هتل برگزار شد که در آن مادموزال

کریستینه سیمونیانس دراماتیک سوپران به اتفاق مادام داگنر و مادام نیگوسیا و غلامحسین خان (فرزند سالار معزز) ویالونیست ۱۲ ساله و مسیو ساآ آرتیست اپرا و مسیو هوسپیان ویالونیست برنامه اجرا کردند (همان: ۱۳۷). قیمت بلیطها از ۵ قران تا ۴۰ قران بوده است (همان).

عارف از پیشگامان کنسرت در دیگر شهرهای ایران بود. در سال [۱۳۴۰ ق] ۱۳۰۰ ش کنسرتی را در باغ ملی مشهد به درخواست کلنل محمد تقی خان پسیان برگزار کرد و تصنیف «رحم ای خدای دادگر کردی نکردی/ ابقا به اعقاب قجر کردی نکردی» را خواند (نورمحمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۳). مشیرهمایون در این کنسرت عارف را همراهی کرد (همان: ۱۵۷). اختلاف ایرج میرزا با عارف از حواشی این کنسرت بود. در آن زمان کلنل محمدتقی خان پسیان مسئول ژاندارمری خراسان و قوام‌السلطنه والی خراسان بود. هنگامی که سید ضیاء دستور دستگیری قوام‌السلطنه را می‌دهد کلنل این فرمان را اجرا می‌کند و قوام‌السلطنه را به تهران می‌فرستد. قوام‌السلطنه پس از به قدرت رسیدن دستور قتل کلنل را داد، این حادثه تأثیر شگرفی در روح و روان عارف داشت، آنچنان که به یاد کلنل دو کنسرت در گراند هتل برگزار کرد. کنسرت سال ۱۳۴۰ ق [۱۳۰۰ ش] در تهران به یاد کلنل محمدتقی خان پسیان با همکاری شکرالله خان که مسئولیت آمادگی گروه را بر عهده داشت، در پرده‌ی دشتی برگزار شد و عارف غزل دل، هیچ‌گه ز جور تو دل ناگران نبود/ بار گران عشق تو بر دل، گران نبود و تصنیف گریه کن که سیل خون گری ثمر ندارد را در آن اجرا کرد (عارف، ۱۳۰۳: ۲۱۲ و بخش تصنیف‌های عارف: ۵۶-۵۵). شهرت روزافزون عارف و تقاضای عموم برای برگزاری کنسرت‌های وی موجب شد عارف یک بار دیگر اقدام به برگزاری کنسرت اقدام نماید. به نظر می‌رسد روزنامه‌های این دوره گزارش‌هایی از این کنسرت به چاپ رسانده باشند. نخستین گزارش مربوط به روزنامه‌ی اقدام ۱۳۰۰ ش است (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۵۳-۱۵۰). این کنسرت ظاهراً در ۱۳ و ۱۴ رجب نیز تکرار شده است (همان: ۱۵۴).

یکی از مهم‌ترین رویدادهای مرتبط با کنسرت اجرای برنامه‌های متنوع از موسیقی ایرانی و اروپایی در کنسرت‌های ۱۳۴۰ ق است. درویش خان پس از سه سال بار دیگر در سال ۱۳۴۰ ق/ ۱۳۰۰ ش در گراند هتل کنسرت مشترکی با موسیقی‌دانان اروپایی برگزار کرد (همان: ۱۷۲). نکته‌ی جالب در اعلان این کنسرت برنامه‌ی آن است که در آن آمده: «پرده‌ی اول: پیش درآمد جدید در افشاری - تصنیف جدید - رنگ جدید. پرده‌ی دوم چهارگاه ضربی جدید - به طرز جواب و سؤال. پرده‌ی سوم پیش درآمد جدید - در ماهور - تصنیف جدید و رنگ جدید» (همان). این کنسرت ظاهراً به صورت نمایش بوده، اشعار آن را ملک‌الشعرای بهار سروده و آوازاها را طاهرزاده خوانده است (همان: ۱۷۵). پرده‌ی دوم و چهارم کنسرت اروپایی بوده و با مدیریت پروفیسور نیکولایف، چرماک، مادام آقابایف و آرکلیان^۱ برگزار شده است، اگرچه اسامی به صورت دقیق تفکیک نشده‌اند (همان: ۱۳۹-۱۳۸). در ۶ رجب ۱۳۰۰ ش کنسرت مشترک دیگری در هتل دوفرانس برگزار شد که در گزارش آن متأسفانه به استادان موسیقی ایرانی اشاره نشده است (همان: ۱۳۹). در برنامه‌ی این کنسرت به اجراهای مسیو روبا با سایر بازیگران^۲، نمایش کم‌دی روسی، کنسرت ایرانی هاهور (احتمالاً ماهور) تصنیف، آواز و رقص جدید باله‌ی اروپایی اشاره شده است (همان). این احتمال وجود دارد که بخش موسیقی ایرانی توسط درویش خان برگزار شده باشد.

عارف در شرح غزل تو دادگر شو اگر رحم دادگر نکند، به اجرای آن در کنسرت شعبان ۱۳۴۱ ق [۱۳۰۱ ش] اشاره کرده است (۱۳۰۳: ۲۳۱-۲۳۰). نمایش مذکور کنسرت پر ازدحامی در ۲۲ شعبان ۱۳۴۱ در تئاتر باقراف بوده که عارف در آن تصنیف ای دست حق را باز به یاد دوست خویش کلنل محمدتقی خان خوانده است (عارف، ۱۳۰۳: ۲۴۰). مرتضی نی‌داود از نوازندگان

این کنسرت بود (نورمحمدی، ۱۳۸۶: ۱۷۸). خالقی (۱۳۶۲: ۴۱۴-۴۱۱) درباره‌ی این کنسرت به جزئیاتی اشاره می‌کند:

در سال ۱۳۰۱ بود که برای اولین دفعه عارف را در صحنه‌ی سالن گراند هتل که محل فعلی تماشاخانه‌ی تهران است دیدم در حالی که چند سبد گل در اطرافش گذارده و نوازندگان، مانند نیم دایره دورش نشسته بودند... پرده عقب رفت و کنسرت با پیش درآمدی شروع شد. بعد نوبت آواز رسید. شکرکی که تارزن مورد علاقه‌ی عارف بود و ساز را بسیار دلچسب و شیرین می‌نواخت، درآمد دشتی را آغاز کرد و عارف با آواز جانسوزی بسرائید دل هیچ‌کس زجور تو... نوبت به تصنیف رسید و عارف ترانه‌ی معروفی را که به یاد دوست ناکامش محمدتقی خان پسیان ساخته بود به همراهی ارکستر بخواند... گریه کن که سیل خون‌گری ثمر ندارد...

شکرکی/شکرالله خان نوازنده‌ی تار مورد تحسین عارف بوده و از فحوای کلام خالقی چنین برمی‌آید که وی در اکثر کنسرت‌ها همراه عارف بوده است (همان: ۴۲۸).

نخستین کنسرت علی‌اکبر شهنازی در سال ۱۳۴۱ ق/۱۳۰۱ ش در سالن گراند هتل برگزار شد (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۰۷-۲۰۶). در ارتباط با این کنسرت گفته شده است که «بلد بی سانسور و تعطیل نظمیه، کنسرت عالی شهنازی و نمایش کم‌دی را از شب بیست و دوم به شب بیست و نهم محول گردانید» (همان: ۲۰۸). متأسفانه این جمله‌ی مذکور نامفهوم است؛ احتمال دارد که دخالت نظمیه در سانسور کنسرت‌ها از این تاریخ شروع شده باشد. پرده‌ی دوم برنامه‌ی مذکور متأثر اخلاقی به مدیریت میر سید علی خان (رئیس شرکت کم‌دی ایران) بود (همان: ۲۰۷). در این کنسرت دو غزل و سرود از وحید دستجردی اصفهانی در دستگاه شور و و چهارگاه همراه با پیش درآمد، تصنیف و رنگ اجرا شد (همان: ۲۰۹-۲۰۶). خالقی (۱۳۶۲: ۲۴۹) درباره‌ی حسین استوار می‌نویسد: «بعد از درویش خان تماس او بیشتر با علی‌اکبر شهنازی است که به اتفاق او کنسرت‌های متعدد داده و حتی اپراهایی هم نوشته که با کمک هنرمندانی مانند فکری و ظلی و دیگران بر روی صحنه آورده است».

یکی از مهم‌ترین کنسرت‌های عارف کنسرت مشهور به جمهوری بود (همان: ۱۶۲-۱۵۴) که هواخواهان و مخالفان خود را داشت. این کنسرت در ۲۳ و ۲۴ اسفند ۱۳۰۲ ش در دفاع از شعار جمهوری رضاخان برگزار و در آن مارش جمهوری اجرا شد (نورمحمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۴). عین‌السلطنه (۱۳۷۴: ج ۹، ۶۷۲۷) از اعلان‌های گوناگون درباره‌ی جمهوری‌خواهی یاد کرده است و درباره‌ی عارف چنین نقل می‌کند:

اعلانی بود که آقای عارف یگانه فیلسوف حکیم و شاعر و سرودی برای جمهوریت تهیه کرده ملقب به شاه عریان و در گراند هتل در معرض نمایش گذاشته خواهد شد و محققاً سرود جمهوریت ما خواهد گردید. بیایید به تماشای این آواز و اشعار و نمایش تالنت از عمر ببرید...

در این کنسرت مرتضی نی‌داود (نوازنده تار)، برادرش موسی نی‌داود (نوازنده ویولن) (نورمحمدی، ۱۳۸۶: ۱۷۸) و شهباز برمکی جزء نوازندگان بودند (همان: ۱۷۹). عارف (۱۳۰۳: ۲۴۱) می‌گوید در یک کنسرت عالی با ازدحام به نام جمهوری ایران، در پنج شعبان ۱۳۴۲ ق، در تهران در گراند هتل، غزل به مردم این همه بیداد شد ز مرکز داد/زدیم تیشه بر این ریشه، هر چه باداباد را خواندم. راوندی (۱۳۸۲، بخش ۲ ج ۸: ۳۶۶) نیز گفته است این غزل در آهنگ محتشم ماهر

خوانده شد. ظاهراً در روزهای برگزاری کنسرت، قطعه‌های متفاوتی اجرا شده است؛ چنان‌که ذکر شده در ششم همان ماه عارف تصنیف رحم ای خدای دادگر را خوانده است (همان، در بخش تصنیف‌های عارف: ۴۳). درباره‌ی مخالفت با این کنسرت عین‌السلطنه (۱۳۷۴: ج ۹، ۶۸۶۸) چنین اظهار داشته است:

بعد گفتند به‌طور تحقیق متجاوز از سیصد هزار تومان سردار سپه در این راه خرج کرده است، به‌طور حتم پنجاه هزار تومان تدین، سه هزار تومان به عارف مرحمت شده خانه بخرد و آن اشعار و کنسرت را تهیه کند. سوای آنچه بلیت فروخته شود.

در ادامه‌ی بحث‌های مالی کنسرت، عین‌السلطنه (همان: ج ۹، ۶۷۶۹) اشاره‌ی جالبی به خرید اجباری بلیط از سوی مسئولین دارد:

بلیت تیاتر از شصت تومان بود الی یک تومان که برای حاجی [عزالمالک] وزیر آوردند و جبراً پول داد سی تومان بود. بلیت‌ها تمام تحمیلی بود و غالب صاحب منصبان و اجزاء ادارات بودند. حاجی وزیر نرفت یعنی هیچ یک از وزراء نرفتند. بلیت خود را به عباسقلی خان داد.

با وجود مخالفت مسئولان برخی از فرزندان شاهزادگان با این روند همراهی داشتند، عین‌السلطنه چنین شرح می‌دهد:

او می‌گفت غزل اول را که عارف خواند اسمعیل میرزا معتمدالدوله پسر مرحوم ظل‌السلطان برخاسته دسته گل ممتازی دو دستی تقدیم عارف کرد. همه‌ی مردم از این حرکت او بدشان آمد و بی‌غیرت گفتند. بعد هم عارف را در اتومبیل خودش گذاشته منزلش برد ...

از کلام عین‌السلطنه چنین برمی‌آید که وی از مخالفان تغییر سلطنت بوده اما میزان تأثیر کنسرت عارف در سخن عین‌السلطنه کاملاً مشهود است، چنان‌که می‌نویسد:

در کدام نقطه از عالم شنیده‌اید که تغییر اصول یک حکومت مستلزم پاره‌ای عملیات خفیه و بوالهوسانه از قبیل نشر بعضی بیانیه‌ها و کنسرت بی‌اساس باشد. کجای دنیا دیده‌اید معدودی بلاسابقه و فاسدالخلق که سوای مطامع شخصی [و] مهجور ساختن دانشمندان مقصودی ندارند در این گونه مواقع بازیگر تبدیل سلطنت به جمهوریت باشند. (همان: ۶۸۹۴)

عین‌السلطنه (همان، ج ۹: ۶۷۷۲) در مطلبی اغراق‌آمیز درباره‌ی این تأثیر چنین می‌نگارد:

اگر با تحریکات انگلیس و زور و قشون سردار سپه، ایران جمهوری نشود محققاً با تصنیف عارف خواهد شد. عارف مولوی در سر دارد. خیلی در صحبت و حرکت غمزه می‌آید. خوب می‌خواند، خوب ضرب می‌گیرد. در تیاتر خوانده بود، ضرب هم گرفته بود ...

نخستین کنسرتی که با آواز یک خواننده‌ی زن موسیقی کلاسیک ایرانی در ایران برگزار شد، کنسرتی بود با صدای قمر و همراهی مرتضی خان نی داود که در سال ۱۳۰۳ ش [۱۳۴۳ ق] در سالن گراند هتل برگزار شد (خالقی، ۱۳۷۳: ۸۵-۸۳). برای محافظت از این کنسرت مأموران انتظامی حضور داشتند (همان: ۸۳). ادیب‌السلطنه عواید این کنسرت را میان نوازندگان تقسیم کرد (همان: ۸۵).

خالقی (۱۳۶۲: ۴۵۴) درباره‌ی احمد عبادی نیز چنین نقل می‌کند: «در سال ۱۳۰۳ در کنسرتی در گراند هتل داده شد شرکت کرد ملوک ضرابی که در همین اوان تازه پا به صحنه‌ی تاتر گذارده بود با او در خواندن تصنیف شرکت کرد...». از آخرین کنسرت‌های مشترک اروپایی و ایرانی (جداگانه) می‌توان به کنسرت ۱۳۴۳ ق/۱۳۰۳ ش در سالن مجمع جوانان خیابان لاله‌زار اشاره کرد که در آن مادام آقابایف پری [از موسیقی‌دانان ارمنی] و دیگر اساتید فن موسیقی ایرانی و اروپایی برنامه‌ای در سه پرده همراه با بالت ایرانی و فرنگی اجرا کردند (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۴۱). زمان برگزاری این کنسرت ابتدا ۱۲ ذی‌القعدة تعیین شده بود اما ظاهراً به سبب مشکلاتی به شب جمعه اول ذی‌الحجه موکول شد (همان).

در روزهای ۱۷، ۲۰، ۲۲ و ۲۴ تیر ۱۳۰۴ ش ارکستر بزرگ مدرسه‌ی عالی موسیقی در عمارت مدرسه واقع در خیابان ادیب معروف به ارباب جمشید به سرپرستی علینقی وزیری کنسرت‌هایی برای عموم برگزار کرد (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۰۳-۱۰۲). قیمت بلیط برای یک کنسرت یک تومان (در ایوان دو تومان) و برای آبنه‌ی چهار کنسرت سه تومان (در ایوان شش تومان) ذکر شده است (همان). در این کنسرت وزیری و مادام پری آقابایف اجراهایی داشته‌اند (همان: ۱۰۶-۱۰۴). یکی از دقیق‌ترین برنامه‌ها مربوط به این کنسرت است (همان). در برنامه‌ی این کنسرت اغلب آثار وزیری و چند اثر غربی مشاهده می‌شود. ظاهراً کنسرت مذکور آخرین کنسرتی بود که در دوره‌ی قاجار برگزار شد، زیرا مجلس پنجم شورای ملی در ۹ آبان ۱۳۰۴ ش احمد شاه را خلع کرد و حکومت موقت را به رضاخان سپرد (یاوری و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۲۶).

۳- نتیجه‌گیری

انجمن اخوت، یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی متشکل از اهل تصوف به رهبری ظهیرالدوله، در برگزاری کنسرت‌های نخستین نقش مهمی بر عهده داشت. دعوت از استادان ایرانی در این کنسرت‌ها خود راهگشای کنسرت‌های بعدی شد. حضور اغلب چهره‌های سرشناس موسیقی اواخر دوره‌ی قاجار در کنسرت‌های انجمن اخوت نشان از توجه این استادان به کنسرت دارد، اگرچه نفوذ ظهیرالدوله را نباید در این رابطه بی‌تأثیر دانست. علاوه بر انجمن مذکور، احزاب سیاسی فعال پس از جنبش مشروطه نیز با هدف تبلیغ و ترویج عقاید خویش در رواج کنسرت نقش داشتند.

برگزاری کنسرت‌ها به‌ویژه در سالن تازه تأسیس گراند هتل را می‌توان مرحله‌ی جدیدی در تحول کنسرت‌ها برشمرد. مهم‌ترین رجال موسیقی دوران از جمله عارف قزوینی، درویش خان، شکرالله خان قهرمانی، رکن‌الدین خان مختاری، علی اکبرخان شهنازی، مرتضی خان نی‌داوود، قمرالملوک وزیری، پری آقابایف نقشی اساسی در برگزاری کنسرت‌ها داشتند. اگرچه سهم عارف و درویش خان به مراتب چشمگیرتر از دیگران است. غزلیات و تصنیف‌های سیاسی عارف نقش مهمی در تهییج افکار عمومی داشت. با توجه به اطلاعات موجود استادان پیشکسوت بیشتر در انجمن اخوت فعالیت اجرایی داشته‌اند و فعالیت نوازندگان و خوانندگان جوان ابتدا در گاردن پارتی‌ها و سپس در سالن‌های موسیقی بوده است. به نظر می‌رسد به دلیل تمایلات سیاسی عارف اختلافاتی میان وی و پیشکسوتان وجود داشته است. اوج این اختلاف‌ها را می‌توان در برخوردهای عارف و درویش خان مشاهده کرد. حضور نوازندگان جوان در کنسرت‌ها به این موضوع مربوط می‌شود. اغلب کنسرت‌های انجمن اخوت و احزاب سیاسی ظاهراً جنبه‌ی عام‌المنفعه داشته است. بیشتر منافع مالی کنسرت‌های برگزار شده در گراند هتل، به برگزارکنندگان و مالک هتل تعلق می‌گرفته است. شاید به همین سبب است که در کنسرت‌های گراند هتل اجرای پرده‌های نمایشی بعضاً

کمدی در میان اجراها مورد توجه بوده است. اشاره به قیمت بلیطها و تفکیک موقعیت سالنی برای مخاطبان نشان از انگیزه‌های مالی دارد. توجه به تصنیف و رنگ بی‌ارتباط با جذب مخاطب نیست. پیدایش گونه‌ی سازی پیش درآمد را می‌توان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اجراهای کنسرت دانست. انسجام درونی برنامه‌ها با روند سلسله مراتبی پیش درآمد، آواز (غزل‌خوانی)، تصنیف و رنگ در موسیقی ایرانی حاصل تجربه‌های اجراکنندگان این دوره است.

با گذشت زمان و نزدیک شدن به انقراض قاجاریان و زمینه‌های پیدایش حکومت پهلوی شاهد رشد کمی اجراها، تنوع برگزارکنندگان، توجه به موسیقی‌های غربی هستیم. در این روند دخالت‌های دولتمردان در برگزاری کنسرت‌ها با اهداف سیاسی، حمایت‌های مالی، نظارت بر کنسرت‌ها و احتمالاً اولین مباحث امنیتی را نیز می‌توان مشاهده کرد.

یادداشت‌ها

ظهیرالدوله: از حامیان مشروطه بود و در جریان به توپ بسته شدن مجلس در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ برابر با دوم تیرماه ۱۲۸۷ و ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی، سربازان محمدعلی‌شاه به فرماندهی افسر روسی قزاق کلنل لیاخوف خانه‌ی ظهیرالدوله را ویران کردند (والی‌زاده معجزی، ۱۳۸۰: ۱۵۶؛ براون، ۱۳۸۰: ۲۰۸).

خیابان لاله‌زار: ناصرالدین شاه پس از سفر به اروپا تصمیم گرفت خیابان‌هایی همانند خیابان‌های کشورهای اروپایی در تهران طراحی کند. یکی از این خیابان‌ها خیابان لاله‌زار بود. پس از ساخته شدن خیابان اطراف آن به رجال مهم دوران فروخته شد. مشاغل مهم حاضر در این خیابان متأثر از فرهنگ غربی بود. این خیابان به تدریج از سوی مالکین به مرکزی برای راه اندازی هتل، کافه، سینما، چاپخانه و ... تبدیل شد. در این خیابان شرکت گرامافون نیز دفتر شعبه‌ی خویش را دایر کرد (سپنتا، ۱۳۶۶: ۱۳۵). با شکل‌گیری مشروطه این خیابان مرکز مهمی برای فعالیت‌های سیاسی قلمداد می‌شد زیرا مراکزی که از آن‌ها نام برده شد، امکان حضور فعالان سیاسی را مهیا می‌کرد. **استبداد صغیر:** از ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ تا ۲۷ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۷ است (راوندی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۵۹۵).

منابع

- آرزین‌پور، یحیی (۲۵۳۵)، *از صبا تا نیما* (در ۳ جلد)، انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، تهران.
- براون، ادوارد (۱۳۸۰)، *انقلاب مشروطیت ایران*، انتشارات کویر، تهران.
- پورعیسی، سمن (۱۳۹۰)، *نگاهی به نت‌نویسی مهدی قلی هدایت از هفت دستگاه موسیقی ایران به روایت منتظم/الحکما*، فرهنگستان هنر، تهران.
- خالقی، روح‌الله (۱۳۶۲)، *سرگذشت موسیقی ایران*، انتشارات صفی‌علیشاه، تهران.
- خالقی، زهره (۱۳۷۳)، *آوای مهربانی یادواره قمرالملوک وزیری*، ناشر دنیای مادر، تهران.
- سپنتا، ساسان (۱۳۶۶)، *تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران*، انتشارات نیما، تهران.
- سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۸۶)، *مرآت الوقایع مظفری* (در ۲ جلد)، مصحح عبدالحسین نوایی، انتشارات میراث مکتوب، تهران.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، *تاریخ اجتماعی ایران* (در ۱۲ جلد)، انتشارات نگاه، تهران.

- عارف قزوینی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۸۱)، *دیوان عارف قزوینی*. به کوشش مهدی نور محمدی، انتشارات سنایی، تهران.
- ----- (۱۳۰۳)، *دیوان میرزا ابوالقاسم عارف قزوینی*، چاپخانه‌ی شرقی، برلین.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات عین السلطنه (در ۱۰ جلد)*، مصححان مسعود سالور و ایرج افشار، انتشارات اساطیر، تهران.
- کاظمی، بهمن (۱۳۸۹)، *گلبانگ سربلندی میانی و بررسی آواز ایرانی*، فرهنگستان هنر، تهران.
- کسروی، احمد (۱۳۸۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۴)، *موسیقی در عصر مشروطیت پژوهشی در هنر عصر مشروطیت (کتاب دوم)*، نشر مهرنامگ، تهران.
- کنی یر، مایکل (۱۳۸۶)، *صفحه‌های فارسی شرکت گرامافون ۱۸۹۹ تا ۱۹۳۴*، مترجم محسن محمدی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۴)، *چهل سال تاریخ ایران (در ۳ جلد)*، انتشارات اساطیر، تهران.
- مجد الاسلام کرمانی، احمد (بی تا)، *سفرنامه کلات (در ۲ جلد)*، مصحح محمد خلیل پور، ناشر دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من (در ۳ جلد)*، انتشارات زوار، تهران.
- مشحون، حسن (۱۳۵۰)، *موسیقی مذهبی ایران*، مکان انتشارات سازمان جشن هنر شیراز، انتشار نامعلوم.
- ملاح، حسینعلی (۱۳۶۹)، *شرح زندگی غلامحسین درویش*، انتشارات فرهنگ و هنر، تهران.
- میثمی، سید حسین (۱۳۹۰)، *حاجی ملا عبدالکریم جناب قزوینی و نقش وی در موسیقی قاجار*، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۹)، *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان*، مصحح فاطمه قاضیها، ناشر سازمان اسناد ملی ایران، تهران.
- نورمحمدی، مهدی (۱۳۸۶)، *سرگذشت موسیقی دانان قزوین در دوره قاجار و اوایل پهلوی*، حدیث امروز، قزوین.
- والیزاده معجزی، محمد رضا (۱۳۸۰)، *تاریخ لرستان روزگار قاجار*، مصححان حسین والیزاده معجزی و محمد والیزاده معجزی، انتشارات حروفیه، تهران.
- یآوری، حسین و دیگران (۱۳۹۰)، *آشنایی با تاریخ فرهنگ ایران*، انتشارات توتیا، تهران.

Received: 23 Jun 2014
Accepted: 11 Nov 2014

The Emergence of Concerts in Qajar Era

Sayid Hossein Meysami, Assistant Prof in Dep of Music, Tehran University of Arts.

Abstract

In this article, the emergence and development of concert in Qajar era are studied; the period between Nassery (The king Nasserdin shah) era and Qajar dynasty's downfall. In this article we are going to introduce the background of one of the most important events in modern history of Iranian classical music that in addition to social aspects of music, has affected the performance of Iranian classical music. The methodology of this research is based on documentation and analysing the data. The structure of the paper is built on spatial important changes in which time priorities are considered. So, we divide the era into four periods; 1. acquaintance with the concert in the west and The Royal School of Iran by kings and dignitaries, 2. performance in Zahirodolle private gardens, 3. performance in public parks by different political parties, 4. performance in theater and cinema halls with various motivations. Iranian acquaintance with concert in the west and Iran caused emergence of the first concerts in our country. Anjomon Okhovat, social Sufi institution, played a very important role in conducting the orchestra and concerts. Along with these developments, Mashrouteh Movement encouraged parties to hold public concerts. Concerts organized by Constitutionalist in different cities, led to the development of this new phenomenon. Aref Qazvini, poet and musician, and Darvish Khan, musician, were pioneers in this way. Aref's political Gazaliyat (lyric poems) and his Tasanif (popular songs) excited the public too much. The first private concerts were performed in new Grand Hotel and cinemas halls located in Tehran, Lalezar Street. People liked theater and performance, therefore they should be considered in concerts. Due to this important matter, Tasnif and Reng were paid attention. Creation Pishdaramad which was performed as an introductory, and made familiar the singer and audience with atmosphere of the music, was one of the achievement of concerts. Gradually, European concerts were introduced and concert organizers, Persian and western, increased. Concert was one of the important phenomena that could gradually move Iranian classical music from the royal or aristocratic circles to the social middle strata. Thus, a number of singers, instrumentalists and composers who were known among aristocrats only, little by little got popularity among ordinary people. Concerts could play a very important role in promotion of political opinions and tried to meet the important needs of the Era. Concerts had a very important effect on the process of creation of musical works based on instrumental and vocal genres and could change the structures of these genres, too. Gradually, western classical music could find a proper position in Iranian society. Western concerts were a very good chance for Iranians to know their music. Co-executive interactions between Iranian and western musicians (in different sequences) were noteworthy points of that period.

Key Words: Concert, Anjomon Ohkovat, Constitutionlists, Grand Hotel, Pishdramad